

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان: بررسی نشانه‌ها و آثار عجب در انسان براساس آیات و روایات شیعه

پدیدآورنده: الهه دولت پور^۱

۱. طلبه سطح دو حوزه علیمه حضرت معصومه (سلام الله علیه) «شهرستان رودبار

چکیده

این پژوهش با عنوان*بررسی نشانه ها و آثار عجب در انسان براساس آیات و روایات شیعه*می باشد. این تحقیق به روش تحلیل محتوا و به شیوه کتابخانه ای صورت گرفته است. و به تبیین عجب که در ماهیت خود تکبر و غرور که از بیماری های اخلاقی محسوب می شود را در برمی گیرد. یعنی شخص خود را به خاطر کمالاتی که از آن برخوردار است بزرگ می شمارد. و به واسطه ی آن خود را از واحد تقصیر خارج می داند. و در کتب اخلاقی اقسامی نظیر عجب به جمال و هیئت، قدرت ، هوش،.....تقسیم شده است؛ و مراحل از قبیل منت نهادن به خدا به خاطر ویژگی که دارد، در ردیف مقربین دانستن و بهتر دیدن خود دارد.

از نشانه های این رذیله اخلاقی زیبا جلوه دادن کار زشت ، منت نهادن به سبب انجام عبادت و خود را طلبکار خدا دانستن و.....می باشد.

قرآن کریم در آیاتی به مذمت این رذیله پرداخته و آن را مایه ی از هم پاشیدن روابط دانسته است. یافته های حاصل از این تحقیق نشان می دهد که از آثاری که عجب به همراه خواهد داشت می توان به مواردی از جمله: ۱- نابودی اعمال ۲- کوچک شمردن گناه ۳- تکبر بر دیگران ۴- عامل رکود و غفلت از یاد خدا اشاره کرد.

با توجه به مطالبی که قُبْح و زیان آفت عجب آورده شد ، راه های درمانی چون ۱- عبرت آموزی از سرنوشت گذشتگان ۲- آگاهی به نقص ها و ضعف ها ۳- توجه به غفلت آفریده الهی ، توجه به کوچکی انسان در برابر جهان هستی و.... بیان شده است.

واژگان کلیدی: تکبر، عجب، غفلت، رذیله اخلاقی

مقدمه

انسان موجودی متشکل از دو جنبه جسمانی و روحانی می باشد که بُعد جسمانی او اعضا و جوارح هستند و بُعد روحانی او نفس او می باشد. همانطور که اعضا و جوارح انسان به امراض مختلف دچار می شود، ممکن است روح و نفس انسان نیز به امراض مختلفی دچار شود. از جمله بیماری های روانی و صفات ناپسند انسانی که متأسفانه اغلب در انسان های به ظاهر وارسته، نمایان و باعث نگرانی و افسردگی می شود. بیماری عجب و خود بزرگ بینی است، که از صفات قلبی و از گناهان جوارح ظاهری به مراتب شدیدتر و از جهت عموم دایره اش وسیع تر است. زیرا کمتر مومنی پیدا می شود که به عجب و خودخواهی دچار نشده باشد. این رذیله از خطرناک ترین بیماری های اخلاقی می باشد که همه ی ارزش های اخلاقی و عملی را به ضد ارزش تبدیل می نماید که ریشه بسیاری از گرفتاری های فردی و اجتماعی است.

در روایات از خود پسندی به عنوان صفتی یاد شده که برای نابودی شخص همین یک بیماری کافی است. البته منشأ اصلی این بیماری، ضعف و نقصان عقل می باشد. در واقع انسان از خود راضی، شناخت درستی از شخصیت خود ندارد. مردم نیز به ذات از آدم های متکبر و خود پسند بیزار هستند، به همین دلیل در دل مردم هیچ جایگاهی نداشته و چه بسا کینه آن ها را نیز به دل خواهند گرفت. علاوه بر قرآن کریم که منبع اصلی استنباط احکام دین اسلام می باشد، روایات رسیده از معصومین علیهم السلام در کتب اصلی شیعه مانند نهج البلاغه که بابی مستقل درباره ی خود پسندی گشوده و همچنین امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیث در باب عجب پس از بیان درجات در این باره عجب را مایه ی هلاکت معرفی کرده است. در تفاسیر شیعی از جمله المیزان ذیل برخی آیات به توضیح مسأله عجب پرداخته شده است. در مقالات و کتب فراوانی نظیر «اخلاق اسلامی و آداب سیروسلوک» یا «معراج السعاده» نویسندگان بیشتر به بیان چیستی عجب و مذمت آن در آیات و روایات پرداخته اند. و از ارائه ی نشانه ها و آثار فراوان آن در زندگی فرد چشم پوشیده اند. از این رو مقاله حاضر سعی در بیان نشانه ها و آثار عجب در زندگی دنیوی و اخروی فرد دارد. هر انسانی اگر یقین پیدا کند که کیفیت اعمالش در زندگی پیش رویش اثر گذار است، همواره سعی خواهد کرد تا به نفس خود غلبه کرده و رفتار و نیات را در جهت رسیدن به کمال مطلوب سوق دهد. اینجاست که ضرورت پرداختن به رذیله ی عجب و علم به اثر گذاری اعمال فرد در آینده ی او

روشن می شود. از جمله مسائلی که در این پژوهش به آن پرداخته شده این است که عجب و نشانه های آن چیست؟ و چه آثاری در زندگی دنیوی و اخروی فرد دارد؟ و اینکه انسان به کمک چه راه هایی می تواند به درمان این آفت پردازد؟ مقاله حاضر باهدف افزایش اطلاعات شخصی به عنوان یکی از رذایل قبیح و مانع مهم خود سازی و بررسی نشانه ها و آثار آن با استناد به برخی از آیات و روایاتی که در بیان «عجب» مطرح هستند، به شیوه اسنادی - کتابخانه ای ، سعی در تبیین هر چه بیشتر به این موضوع و پاسخگویی به سوالات مذکور دارد.

مفهوم شناسی

عُجب و ماهیت آن:

یکی از آفات نفس، عُجب است که آثار ویرانگری بر صفحه دل می گذارند. عُجب در نگاه لغت عبارت است از، به خویش نازیدن، تکبر، غرور، خودبینی^۱ و نزد علمای بزرگ اخلاق، آن است که انسان خود را به خاطر کمالاتی که در خود سراغ دارد، بزرگ بشمارد اعم از آنکه به واقع واجد آن کمالات باشد یا نباشد و گمان کند که دارد.^۲

«عُجب بنا به فرموده علما (رضوان الله علیهم) عبارت است از بزرگ شمردن عمل صالح و کثیر شمردن آن و مسرور شدن و ابتهاج نمودن به آن، و غنچ و دلال کردن است به واسطه آن، و خود را از حد تقصیر خارج دانستن است.^۳

پس حداقل عُجب آن است که انسان از خودش خوشش آمده و از خود راضی باشد.

اقسام عُجب

در کتب اخلاقی، اقسام عُجب به تناسب این که عامل و سبب آن چه باشد، به هشت نوع تقسیم شده است:

۱- عُجب به مال و اندام و صورت زیبا

۲- عُجب به قدرت و نیرو

۳- عُجب به تهل و هوش و ذکاوت

۴- عُجب به نسبت و خاندان

۵- عُجب به انتساب به سلاطین و قدرتمندان

۱. معین، فرهنگ فارسی، ص ۷۵۵

۲. نراقی، معراج السعاده، ص ۲۰۷

۳. امام خمینی، اخلاق (۴) گزیده آثار اخلاقی امام خمینی (ره)، ص ۶۴

قرآن کریم عاقبت کسانی را که راه غرور را طی نموده اند و از نظر امکانات و قدرت در سطح بالاتری قرار داشتند. به انسان ها یاد آوری نموده تا با تفکر و عبرت آموزی از سرنوشت آنان درس بگیرند. همچنین قرآن ، انسان ها را به این نکته رهنمون ساخته که آنچه موجب عجب و تکبر برخی افراد بود، نتوانست آن ها را از عذاب خدا جلوگیری کند.^۱

۲- آگاهی بر نقص ها و ضعف ها

بدون شک اگر انسان نیم نگاهی به خود بیاندازد و به چگونگی آفرینش و مراحل رشد خود توجه داشته باشد، هیچ گونه توجیهی برای تکبر ورزیدن به مال ، اولاد، قدرت و علم ندارد؛ چرا که خود را موجودی حقیر و ضعیف خواهد یافت.

۳- توجه به عظمت آفریده های الهی

قرآن کریم به جهت پیشگیری و درمان بیماری غرور در وجود انسان ها، آن ها را به عظمت خلقت آفرینش توجه داده است، تا با تفکر در آن و مقایسه ی آن عظمت با خلقت خود، به ضعف ها، نقص ها و ناچیز بودن خود در برابر این همه عظمت پی برده و دست از خود پسندی و عجب و امثال این ها بردارند.^۲

«أَنْتُمْ أَشَدُّ خُلُقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا وَمَرْعَاهَا وَالْجِبَالُ أَرْسَاهَا»^۳

«آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) مشکل تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن را بنا نهاد؟!»

سقف آن را برافراشت و آن را منظم ساخت و شبش را تاریک و روزش را آشکار نمود! وزمین را بعد از آن گسترش داد، و از آن آب و چراگاهش را بیرون آورد، و کوه ها را ثابت و محکم نمود!

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، صص ۷۰-۷۱

۳. طالقانی، پرنوی از قرآن، صص ۹۷-۱۰۸

۴. نازعات: ۲۷

۴- فراگیری جهان بینی صحیح

توجه به ماهیت و هدف آفرینش و تفکر در آن به انسان کمک می کند تا نعمت های الهی را در مسیر صحیح دنیوی و اخروی استفاده نماید و آن ها را در جهت عجب ورزیدن و برتری جویی به کار نگیرد.^۱

و آن چه را که بدان غرور دارند و مایه ی افتخار و برتری خود می دانند، در برابر قدرت مطلق الهی هیچ گونه کارایی برای آن ها نخواهد داشت ؛ بلکه موجب عذاب مضاعف در آخرت برای آن ها خواهد بود.^۲

۵- توجه به کوچکی انسان در برابر جهان هستی

نخست این که متکبر درباره کوچکی و حقارت خویش وعظمت وبزرگی عالم تفکر نماید، باخود بیندیشید که در کجای عالم قرار گرفته، و چه نقشی دارد! انسانی که ابتدایش نطفه ای متعفن و بی ارزش، و انتهایش مرداری بد بو ومثمئز کننده ،و در این بین حاصل نجاسات است، به چیز خویش فخر می فروشد!

انسانی که با ویروسی - که به چشم نمی آید- بیمار و درمانده می شود، چرا تکبر می کند، آری اگر انسان متکبر به جایگاه خود در نظام آفرینش و ضعف و ناتوانی اش در برابر بیماری ها و یا خطرات و حوادث و آینده رو به افول و غروبش در ایام پیری بیندیشد، هرگز دچار تکبر و غرور نخواهد شد.^۳

۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۷۳۱

۲. صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ص ۵۱

۳. مکارم شیرازی، والاترین بندگان، صص ۷۴-۷۲-۷۱

نتیجه گیری

از آنچه گذشت دانستیم که عجب به معنای به خویش نازیدن انسان به جهت فضایی است که در خود سراغ دارد. این خصلت زشت از عادات جاهلیت و امری مذموم بوده و اگر در مقابل خداوند باشد، انسان را تا کفر پیش می برد.

این اندیشه که ردایی چون عجب در سرنوشت او اثر گذار است و اصلاح آن اثرات مثبت فراوانی دارد، و تأثیر بسزایی در زندگی دنیوی و اخروی ، فردی و اجتماعی انسان در برخواهد داشت. با شناخت نشانه های عجب و درک مذمت آن و پی بردن به آثار آن و اینکه هیچ قدرتی در جهان هستی، قدرت مطلق الهی نیست. هیچ چیز از او پوشیده نیست و انسان می تواند با پرداختن به اسبابی چون: عبرت آموزی از گذشتگان، آگاهی بر نقص ها و ضعف ها، توجه به عظمت آفریده های الهی، جهان بینی صحیح، توجه به کوچکی انسان در برابر جهان هستی و....در آنچه به موجب خود پسندی ، ایجاد عجب کرده ، تغییر ایجاد کند. و این تلاش بیشتر انسان را در جهت رسیدن به کمال انسانی سوق می دهد و نهایتا انسان را به رستگاری می کشاند.

منابع

- ۱- قرآن
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه مکارم شیرازی
- ۳- امام خمینی (ره)، اخلاق (۴) گزیده آثار اخلاقی امام خمینی (ره)، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۲، نشر حوزه.
- ۴- امام خمینی (ره)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، چاپ پنجاه و نهم، ۱۳۹۴، تحقیق و نشر، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۵ - الهامی نیا، علی اصغر، اخلاق نظامی، ج ۱، بی تا، بی جا
- ۶ - جمعی از نویسندگان، عامل پیروزی و شکست، ج ۱.
- ۷ - حیدری، فرازی، جهاد در قرآن، ج ۱.
- ۸ - شیخانی، علی باقر، سید حسین اسحاقی، سریر سخن، ناشر: مرکز نشر هاجر، بی تا، بی جا.
- ۹ - صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۵، چاپ دوم، قم فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- ۱۰ - طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- ۱۱ - طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، ج سوم، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.

- ۱۲- طباطبایی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، نوبت چاپ ندارد، محل چاپ : چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی بی تا.
- ۱۳ - طوسی، محمد بن حسن، بیروت دار احیاء التراث العربی، ج ۹، بی تا. التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد مصیر عاملی، بیروت
- ۱۴ - طاهری، حبیب الله، درس هایی از اخلاق اسلامی و سیر و سلوک، چاپ بیست یکم، تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۴.
- ۱۵- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، راه روشن (ترجمه المحجه البیضاء)، ناشر: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ج ۶، چاپ اول، ۱۳۷۲ ه ش.
- ۱۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تلخیص شده از فرهنگ شش جلدی زیر نظر گروه تحقیق انتشارات سرایش، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۷ ه ش.
- ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و سوم، ۱۳۹۲.
- ۱۸- محدثی، جواد، درسنامه اخلاق، انتشارات بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ اسراء، چاپ اول، سال ۱۳۹۰.
- ۱۹ - مکارم شیرازی، ناصر، والاترین بندگان، ج ۱، چاپ اول، ناشر: نسل جوان، سال چاپ: ۱۳۸۳.
- ۲۰- نراقی، احمد، معراج السعاده، چاپ چهارم، ناشر: انتشارات قائم آل محمد، سال ۱۳۸۶.